



Methods of mystical education based on the anthropological views of Allameh Hassanzadeh Amoli in cognitive, orientational and practical dimensions with emphasis on adolescence

Mohammad Daraei¹  | Mohsen Farahani² , Roghayeh Mousavi³

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.2.1

64

Vol. 32
Autumn 2024
P.P: 159- 191



Research Paper

Received: 02 January
2022
Revised: 29 June 2024
Accepted: 27 February
2023
Published: 22
September 2024

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

Mystics consider mysticism as a science that is the surest way to achieve the truth and the highest kind of spiritual education. According to Allameh Hassanzadeh, mystical education is a humanizing education and in fact the ascension of the soul to the knowledge of the Almighty, and its elevation to creation according to the divine morality and discipline to the divine manners. This research seeks to explain the methods of mystical education for young students. In this research, with the help of documentary technique and conceptual analysis, the basics of type one, the basics of type two and the basics of type three based on the anthropological views of Allameh Hassanzadeh have been identified; The goals and principles of mystical education were determined after determining the realistic propositions of adolescence and based on the inferential method. Using practical analogy, the methods are identified in three dimensions: cognitive, orientation and practical. Methods of mystical education in the cognitive dimension: Practical scientific cultivation - study of beneficial science - prayers and supplications - constant thinking and remembrance - protest and reasoning - Paternalism. Methods of mystical training in the dimension of tendency: - Perception of taste - Conquest of nature - Opposition to the air of the soul - Meditation, meditation, calculation - Loving and flirting with God. Methods of mystical training in the practical dimension: - Control of human inputs and outputs - Indoctrination of good thoughts and intentions (positive thinking) - Practice performing duties and abandoning taboos - Opposing suspicion - Gratitude - Paternalism.

Keywords: Mystical Education Anthropological Perspectives Allameh Hassanzadeh Amoli Adolescence

1. PhD student, Philosophy of education, Shahed University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: Corresponding Author: Professor, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.

Email address: farahani@sgahed.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

Cite this Paper: Daraei, M & Farahani, M . Mousavi,R (2024). Methods of mystical education based on the anthropological views of Allameh Hassanzadeh Amoli in cognitive, orientational and practical dimensions with emphasis on adolescence

Publisher: Imam Hussein University.

©Authors

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License





مناهج التربية العرفانية بناءً على رؤى الأنثروبولوجية للعلامة حسن زاده آملی في الأبعاد المعرفية و التوجيهية و العملية مع التأكيد على فترة المراهقة.

محمد دارابی¹ | محسن فرمهینی فراهانی²، رقيه موسى³

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.2.1

رقم
٦٤

المجلد ٣٢

الخريف ١٤٤٦

I

ورقة البحث

I

تاريخ الاستلام: ١٤٤٣/٥/٣٠

تاريخ المراجعة: ١٤٤٥/١٢/٢٤

تاريخ القبول: ١٤٤٦/٨/٢٩

تاريخ النشر: ١٤٤٦/٣/٢٠

T

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



الملخص

يعتبر المتصوفون أن علم العرفان هو أضمن طريق للوصول إلى الحقيقة وأعلى أنواع التربية الروحية. يرى العلامة حسن زاده أن التربية العرفانية هي تربية بناء الإنسان، و في الواقع هي سمو النفس إلى معرفة الله عز وجل، وارتفاعها إلى التخلُّق بالأخلاق الربانية و التأدُّب بالآداب الإلهية. يهدف هذا البحث إلى بيان مناهج التربية الصوفية لدى الطلبة المراهقين. في هذا البحث، و بمساعدة التقنية الوثائقية والتحليل المفاهيمي، تم تحديد أساسيات النوع الأول وأساسيات النوع الثاني وأساسيات النوع الثالث بناءً على الآراء الأنثروبولوجية (معرفة الإنسان) للعلامة حسن زاده؛ تم تحديد أهداف ومبادئ التربية الصوفية على أساس المنهج الاستدلالي بعد تحديد الفرضيات الواقعية للمراهقة، وباستخدام القياس العملي، وتم تحديد الأساليب في ثلاثة أبعاد: المعرفية، والنزعة، و العملية: أساليب تعليم العرفان في البعد المعرفي (النظري): - طريقة التربية العلمية العملية - طريقة دراسة العلوم النافعة - طريقة الدعاء و المناجاة - طريقة التفكير والذكر الدائم - طريقة الاحتجاج والاستدلال - طريقة التوجيه لإغتناء النموذج. أمّا أساليب التربية الصوفية في بُعد النزعة: - طريقة إدراك الذوق - طريقة تسخير الطبيعة - منهجية معارضة هواء النفس - أسلوب المشاركة مع النفس و صيانتها عن الذنب و حسابها - منهج الذوب في محبة الله. أساليب التربية العرفانية في البعد العملي: - أسلوب ضبط مدخلات الإنسان ومخرجاته - أسلوب غرس الأفكار والنوايا الطيبة (التفكير الإيجابي) - تعليم طريقة التقيد بالواجبات وترك المحرمات - منهجية المواجهة لسوء الظن - أسلوب الشكر - منهجية اقتفاء الاثر.

الكلمات المفتاحية: التربية للعرفانية، بناء الذات، العلامة حسن زاده آملی، المراهقة.

١. طالب دكتوراه، فلسفة التربية، جامعة شاهد، طهران، إيران

٢. المؤلف المسؤول: أستاذ العلوم التربوية، جامعة شاهد، طهران، إيران

٣. أستاذ مشارك، قسم العلوم التربوية، جامعة شاهد، طهران، إيران.

اقتباس: دارابی، محمد و فرمهینی فراهانی، محسن و موسى، رقيه (١٤٠٣)، مناهج التربية العرفانية بناءً على رؤى الأنثروبولوجية للعلامة حسن زاده

آملی في الأبعاد المعرفية و التوجيهية و العملية مع التأكيد على فترة المراهقة، ٣٢/٦٣، ١٨٧-١٥٥

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

المؤلفون

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (Creative Commons License - CC BY)





روش‌های تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی در ابعاد شناختی، گرایشی و عملی با تأکید بر دوره نوجوانی

محمد دارابی^۱ | محسن فرمهینی فراهانی^۲، رقیه موسوی^۳

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.2.1

شماره
۶۴

سال سی یکم
پاییز ۱۴۰۲
صص: ۱۹۱ - ۱۵۹

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۲ دی ۱۴۰۰
تاریخ بازنگری: ۰۹ تیر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۰۸ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۰۱ مهر ۱۴۰۳

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



چکیده

عرفا عرفان را علمی می‌دانند که یقینی‌ترین راه دستیابی به حقیقت و عالی‌ترین نوع تربیت معنوی است. تربیت عرفانی از نظر علامه حسن زاده، تربیتی انسان‌ساز و در حقیقت عروج نفس به معرفت حق تعالی، و اعتلای آن به تخلُّق به اخلاق ربوبی و تأدب به آداب الهی است. این تحقیق در پی تبیین روش‌های تربیت عرفانی ویژه دانش‌آموزان نوجوان است. در این پژوهش با کمک تکنیک اسنادی و تحلیل مفهومی، مبانی نوع یک، مبانی نوع دو و مبانی نوع سوم مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن زاده مشخص شده‌اند؛ اهداف و اصول تربیت عرفانی پس از تعیین گزاره‌های واقع‌نگر دوره نوجوانی و بر اساس روش استنتاجی تعیین شدند و با استفاده از قیاس عملی، روش‌ها در سه بعد شناختی، گرایش و عملی مشخص شده‌اند: روش‌های تربیت عرفانی در بعد شناختی: - روش ترکیه علمی عملی - روش تحصیل علم نافع - روش دعا و مناجات - روش تفکر و ذکر دائم - روش احتجاج و استدلال - روش الگوگرایی. روش‌های تربیت عرفانی در بعد گرایشی: - روش ادراک ذوقی - روش تسخیر طبیعت خویش - روش مخالفت با هوای نفس - روش مشارطه، مراقبه، محاسبه - روش محبت ورزیدن و معاشقه با خداوند. روش‌های تربیت عرفانی در بعد عملی: - روش کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های انسان - روش تلقین افکار و نیات خوب (مثبت‌اندیشی) - روش ممارست بر انجام فرایض و ترک محرمات - روش مخالفت با بدگمانی - روش شکرگذاری - روش الگوگرایی.

کلیدواژه‌ها: تربیت عرفانی، دیدگاه‌های انسان‌شناختی، علامه حسن زاده آملی، دوره نوجوانی

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استاد علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: farmahinifar@yahoo.com.

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

استناد: دارابی، محمد و فرمهینی فراهانی، محسن و موسوی، رقیه. (۱۴۰۳)، روش‌های تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی در ابعاد شناختی، گرایشی و عملی با تأکید بر دوره نوجوانی، ۳۲(۶۴)، ۱۵۹-۱۹۱.

DOR: <https://dor.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.64.2.1>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسنده‌گان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License - CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

سفر حقیقی انسان به سوی خدای متعال سفر در مسیر توحید عرفانی است. عرفان با دیدگاهی واضح و بصیرتی از روی شهود، حقیقت مقصد را بهتر از هر روش دیگری به انسان سالک نشان می‌دهد. در واقع شرح این سفر از زبان عارفی بزرگ چون علامه حسن زاده همان فرایند تربیت عرفانی است؛ و در اینجا به دنبال روش‌های مقدماتی، مقبول و عمومی تربیت نوجوانان برای این سفر گریزناپذیر هستیم. آدمی با دارا بودن استعدادها و ظرفیت‌های متفاوت و با قرار گرفتن در بستر محدودیت‌های درونی و بیرونی و برخورداری از اختیار و قدرت انتخاب، می‌بایست مسیر سیر خویش را به سوی خدا را پیماید. تربیت عرفانی یک جنبه عمومی دارد که در آن اطلاعاتی متقن و در حوزه عرفان نظری از جنس هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی به دانش‌آموزان ارائه می‌گردد؛ تا بتوانند مسیر زندگی و سفر خویش را تعیین نمایند. و یک جنبه خصوصی دارد که در آن افراد مشتاق و دارای انگیزه، بر اساس استعدادها و ظرفیت‌های خویش گام در مسیر عاشقانه و پر از رمز و راز این سفر دشوار می‌گذارند و باید با عمل صالح خویش درب‌های اسرار خداوندی را به روی خویش گشوده و در وادی معنا با حقایق الهی آشنا شوند. و آنهایی که به درجات بالایی از این سفر حقانی رسیده‌اند و ذوق و طبع و توانایی طرح بعضی از مباحث را نیز داشته‌اند با زبان‌های مختلف قسمتی از تجربیات عرفانی خویش را برای هدایت شاگردان این طریق حقانی مطرح نموده‌اند که تحت عنوان مجموعه عرفان نظری از این تجربیات نام برده می‌شود. تعیین اهداف این سفر و همچنین مشخص نمودن ظرفیت‌ها و ویژگی‌ها با عنوان مبانی تربیت عرفانی و اشتقاق قوانین و دستورالعمل‌های هنجاری مترتب بر آنها یعنی اصول تربیت از جمله اقدامات مهم و اولیه جهت طراحی و تدوین نظام جامع تربیت عرفانی علامه است و با استفاده از آنها به ارائه رهنمون‌های روش‌شناسی درسه بعد شناختی، گرایشی و عملی برای تربیت نوجوانان و رهروان این راه می‌پردازیم.

انسان تربیت یافته در مکتب عقل جزئی‌نگر در عرصه‌های مادی و اقتصادی جهان مطبوع خود توسعه عجیبی ایجاد کرده است ولی در پیدا کردن آرامش حقیقی راه را گم کرده است. نظام رسمی تعلیم و تربیت مدرن ایران از یک‌صد سال گذشته تاکنون فاقد الگویی بومی متناسب با

فرهنگ ایرانی اسلامی بوده است، لذا تدوین فلسفه تربیتی و الگوی تربیتی متناسب با فرهنگ ایرانی جزء ضرورت‌ها و وظایف انکارناپذیر متخصصان تعلیم و تربیت است. عرفان اسلامی تأثیرگذاری عمیقی بر فرهنگ و تربیت جامعه ایرانی داشته است و عارفان مسلمان در چندصد سال اخیر بزرگترین معلمان این جامعه محسوب می‌شده‌اند. برای تربیت، گستره‌های مختلفی بیان شده است که متعالی‌ترین نوع آن، تربیت معنوی و بهترین نوع تربیت معنوی نیز تربیت عرفانی است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۸). اگر در نظام‌های آموزشی مطرح دنیا پیرامون "دین" آموزشی داده شود در چارچوب سکولاریزم و عبارت است از "یادگیری در باره دین". آنچه که در اکثریت نظام تعلیم و تربیت رسمی ایران نیز حاکم است همین آموزش در باره دین است و نه آموزش واقعی دینداری که در قالب تجربه دینی ظهور پیدا می‌کند و دین‌دارانی واقعی تربیت می‌نماید. در ساحت تربیت عرفانی عمل آگاهانه دینی و تجربه فرح‌بخش دینی جزئی بسیار بااهمیت و حیاتی محسوب می‌شود که در همه دوره‌های زندگی یک انسان لازم الاجراست. از نظر عرفای بزرگ مکتب نجف معنویت فقط با عرفان حقیقی کسب می‌گردد و این معنویت در چهارچوب دین تعریف می‌شود. در جهان غرب معنویت‌گرایی بعنوان راه‌حلی برای حل بحران‌های انسان مدرن به خصوص خلاءهای عاطفی و روانی او در حال گسترش می‌باشد. درحقیقت عرفان‌واره‌ها می‌خواهند غم و غصه‌ها و ناکامی‌های این انسان را مرتفع نمایند. امروزه در جهان غرب گرایش زیادی به ادیان شرقی به ویژه "بودائیسیم" و "ذن" پیدا شده است. گرایش که بخش اعظم آن در جهت کاربردهای روان‌درمانی، آرامبخشی و به طور کلی تأمین بهداشت روانی می‌باشد. برای نمونه، «میلر» که از جمله نظریه پردازان معاصر در حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌باشد، معتقد است که برنامه‌ی مراقبه‌ی برگرفته از آیین بودایی بایستی در مدارس البته در چارچوبی غیرمذهبی ارائه شود (شمشیری، ۱۳۸۷: ۶۱). لذا با توجه به گسترش عرفان‌واره‌ها در کشور ما توجه به معنویت راستین از ضرورت‌های انکارناپذیر تربیت عرفانی محسوب می‌شود. البته با توجه به آثار غنی ای که در خصوص عرفان نظری نوشته شده است و بحث‌های مفصل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، محدود کردن کارکردهای تربیت عرفانی، تنها به ترکیه و "تأمین معنویت"، اجحاف در حق این نوع متعالی تربیت انسانی می‌باشد.

1 Zen

انسان مدرن با پشتکار وصف ناشدنی تلاش می‌کند تمام ابعاد و اجزاء جهان مادی و انسان را کشف کند، حتی مخفی‌ترین و کوچک‌ترین غده‌های درونی بدن را شناسایی می‌نماید و تلاش می‌کند هدف از خلقت این جزء کوچک را شناسایی کند، اما در خصوص هدف از خلقت جهان و خود انسان نمی‌تواند جواب قانع‌کننده‌ای ارائه دهد. عارفان مسلمان و از جمله علامه حسن زاده با منطقی روشن به دنبال شهود حقیقت هستی اند. آنها پس از طی مقدمات عقلانی، یک روش عملی با برنامه مشخص مبتنی بر "شهود و مکاشفه" را مورد استفاده قرار می‌دهند و مرحله به مرحله و منزل به منزل، اسفار سلوکی را طی می‌کند تا به هدف نهایی خویش که همانا "فای فی الله" و "بقای بعد از فنا" است برسند. تعریفی که عرفان از حقیقت و چگونگی عوالم هستی (دایره هستی و حضرات پنج‌گانه^۱) ارائه می‌دهد غالباً در هیچ مقطعی از آموزش مدرسه‌ای ما جایگاهی ندارد؛ در حالی که این حقایق بوسیله بزرگان حوزه فلسفه و عرفانی اسلام از جمله بوعلی سینا، ابن عربی، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمآلهین شیرازی، علامه طباطبایی، امام خمینی و بسیاری از بزرگان دیگر با اختلافات اندک مورد تأیید قرار گرفته و آشنایی با این حقایق می‌تواند در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و تثبیت جهان بینی و اعتقادات دانش‌آموزان بسیار موثر باشد^۲. یکی دیگر از مسائل مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد توجه به هر سه جنبه شناختی، گرایشی و عملی در تربیت انسانی است که دارای عوالم سه‌گانه به تعبیر علامه حسن زاده است. توجه یک‌جانبه نظام آموزشی به حوزه شناختی آسیب‌های فراوانی برای بارور کردن انسانی که اشرف مخلوقات است ایجاد کرده است. مثلاً بستن تأکید دارد که آموزش و پرورش باید کلیت فرد را مورد توجه قرار دهد و به عبارت دیگر باید تمام ابعاد وجودی فرد را پرورش دهد؛ این در حالی است که آموزش رایج در غرب تنها حیطه شناختی را مدنظر قرار داده، و دیگر

۱ حضرات خمس، یکی از واژه‌های معروف در عرفان اسلامی است. از دیدگاه عرفانی، هر موجودی به اندازه وسعت و مقدار هویت خود، مظهر حق تعالی است و خداوند در او ظهور نموده، و اسم‌ها، صفت‌ها، کمالات‌های حق و به تبع آنها ذات مقدسش در آن حضور خواهد داشت. بنابراین همه اشیای عالم محضر و یا حضرت خداوند هستند. عارفان این حضرات بینهایت را به پنج مرحله دسته‌بندی کرده‌اند. (حضرت اول: تعین اول و تعین ثانی - حضرت دوم: عالم عقل - حضرت سوم: عالم مثال - حضرت چهارم: عالم ماده - حضرت پنجم: انسان کامل)

۲ رسول اکرم: مَنْ أَخْلَصَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً طَهَّرَتْ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. (کلینی: اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶؛ محمدباقر مجلسی: بحارالانوار، ج ۵، ص ۸۵؛ ابن فهد حلی: عدّه‌الداعی، ص ۱۷۰).

حیطه های وجودی دانش آموز از قبیل اخلاقی، معنوی و فرهنگی و... فراموش خواهند شد. شمشیری و نقیب زاده، ۱۳۸۴: ۸۶). لذا در پژوهش حاضر توجه ویژه‌ای به هر سه بُعد تربیتی انسان شده است و روش‌های استنتاج شده با توجه به هر بُعد تقسیم بندی شده‌اند. این پژوهش با توجه به مبانی انسان شناختی علامه حسن زاده آملی و با تأکید بر نیاز بشر به بهره‌مندی از معنویت حقیقی و نشان دادن راه‌های بهره‌مندی از این معنویت، به دنبال معرفی راهکارهایی ساده برای تربیت دانش‌آموزان (نوجوان) برای شناخت حقیقت نفس و شیوه سفر به عوالم بالاتر از ماده (عالم مثال، عالم عقل) برای نزدیک شدن به خداوند است. سوال اصلی این پژوهش این است که روش‌های تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان شناختی علامه حسن زاده آملی در ابعاد شناختی، گرایشی و عملی با تأکید بر دوره نوجوانی کدامند؟

مبانی نظری

از نظر علامه، عرفان، علم انسان‌ساز است که در حقیقت عروج نفس به معرفت حق تعالی، و اعتلای آن به تخلُّق به اخلاق ربوبی و تأدب به آداب الهی است. جامعه‌ی بی‌عرفان، کالبد بی‌جان است. عرفان اصیل اسلامی را منطق وحی، آعنی قرآن مجید، حایزاست، و روایات صادره از وسایط فیض الهی، که اهل بیت عصمت و طهارت‌اند، به منزله‌ی مرتبه‌ی نازل‌ی قرآن‌اند (حسن زاده آملی، ۱۳۸۹: ۲۵۳). زاهد آن است که با دوری از دنیا در پی مطلوب خویش است و عابد کسی است که با توسل به عبادات، مقصد خود را می‌جوید، اما آن کس که به فکر خود یک‌سره به سوی عالم قدس متوجه باشد، درحالی که مدام خواهان تابش نور حق در سِرِّ خود است، به اختصاص عارف نام دارد (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳۶۹). ملا عبدالرزاق کاشانی شارح بزرگ منازل السائرین در کتاب اصطلاحات صوفیه تعریفی بسیار جامع از عارف دارد و می‌گوید: «عارف کسی است که خدای متعال ذات، صفات، اسماء و افعال خود را به وی نشان داده است، بنابراین معرفت، حال است که از پی شهود برمی‌آید» (امینی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۵). عرفان اسلامی در سیر تکاملی خود، در پنج بعد مختلف رشدنموده است که عبارت‌اند از: ۱. بعد معرفتی (عرفان نظری)؛ ۲. بعد عملی (عرفان عملی)؛ ۳. بعد ادبی (عرفان ادبی)؛ ۴. بعد دینی؛ ۵. بعد تربیتی (عرفان اجتماعی) (امینی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۶) در زمانه فعلی دو شاخه «عرفان عملی» یا همان علم سلوک و

«عرفان نظری» بیشتر مطرح‌اند و ابعاد دیگر را هم با اغماض در همین دو حوزه می‌توان گنجانند. علامه از سه نوع عارف با مقامات مختلف نام می‌برد: ۱. عارف بمعنی انسان کامل. ۲. کسانی را شامل می‌شود که مؤید به تأییدات الهی بدون تحصیل عرفان نظری از راه عرفان عملی صاحب چنان اقتداری می‌شوند که صاحبان عرفان نظری در مقابل آن عاجزاند و بقول عارف سنائی:

اگر بودی کمال اندر نویسنائی و خوانایی چرا آن قبله کل نانویسا بود و ناخوانا.

۳. از کسانی که در عرفان نظری تحصیل معارف کرده‌اند و کتب فن را خوانده‌اند شامل می‌شود تا آن عارفی که صاحب مکاشفات است و تا آن عارفی که مبین حقائق اسماء است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۲: ۸۵).

یکی از عناصر اساسی در عرفان، کشف و شهود است. کشف و شهود نوعی شناخت است که از دل سرچشمه می‌گیرد و ابزار این نوع شناخت، تزکیه و تصفیه روح است. کشف و شهود نوعی شناخت است، ولی نه از سنخ معرفت‌های حصولی که از راه مفاهیم به دست آمده باشد، بلکه معرفت حضوری و وجدانی است که یافتنی است، نه فهمیدنی. طریقت و سیر و سلوک عرفانی، همان ریاضت و مجاهدت است و میراث این گونه ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها، مکاشفه‌ها و مشاهدات عرفانی است. پس کشف و شهود با باطن و قلب عارف سروکار دارد. عارفان برای کشف و شهود دسته‌بندی‌ها و مراتبی شمرده‌اند. (امینی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۸). این کشف و شهود همزمان با بکارگیری روش‌های تربیتی توسط خواصی از دانش‌آموزان و با توجه به ظرفیت و تلاش آنهایی که از فرصت پاکی قلب و سلامت نفسشان استفاده کنند، اتفاق می‌افتد. که خود دارای مراتب و مراحل متنوعی است.

یکی دیگر از عناصر اساسی عرفان، معنویت است. معنویت در عرفان اسلامی همان معنویت مورد تأکید اسلام است و دارای مولفه‌ها و شاخص‌هایی بدین قرار است که در کتاب دستورالعمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک علامه حسن زاده آملی استنتاج شده است: الف: معنویت بدون اعتراف به «وحدت وجود» معنی پیدا نمی‌کند. ب: غایت برنامه عرفانی وصول به حالت‌هایی مانند (بهت و حیرت نسبت به عالم هستی، احساس ارتباط با موجود بی‌نهایت، احساس وحدت یافتگی با عالم (از درون یا برون)، احساس جاودانگی، از دست دادن احساس زمان و مکان و... که بعضی از افراد از معنویت تعریف کرده‌اند) نیست. پ: غایت برنامه عرفان اسلامی، پرورش انسان کامل (ولی الله)

می‌باشد که یکی از خصوصیات چنین انسانی، درک خدا با علم حضوری و به صورت اختیاری می‌باشد. ت: این وصل به فنای در خدا و بقای بعد از فنا منجر می‌شود. ث: عرفان اسلامی برنامه‌ای بر اساس خودسازی بر مبنای «مشارطه، مراقبه، محاسبه» در کنار برنامه‌های عبادی واجب برای رسیدن به مقامات معنوی دارد.

در خصوص ارتباط عرفان با عقل، علامه بیان می‌دارد که در راه کسب معارف، هم منطقی و برهان می‌باید و هم شهود و عرفان. برهان و عرفان توأمانند که از یک پستان شیر می‌خورند. اگر مقدمات برهان صحیح باشند، در رأی خود معصوم‌اند و هر حکمی که کرده‌اند حجت است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۳: ۲۸). در تربیت عرفانی تعقل به عنوان راهنما و معیار، حضوری جدی دارد. بنای کار عرفان نظری، به ویژه عرفان ابن عربی بر عقلی سازی و مبرهن نمایی آموزه‌ها و دریافت‌های شهودی عرفانی است. اما نکته اساسی آنجاست که از آن جهت که سیر باطنی و عرفانی در ساحت شهود و دل است و این ساحت، و رای طور عقل و تعقل است، حضور عقل، حضوری پسینی و حاشیه‌ای است؛ پسینی به این معنا که چون سیر عرفانی در عالم شهود است، عقل پس از شهود عارف در مقام تبیین و توجیه این شهود به عنوان "میزان" حضور می‌یابد، در فرایند سیر حضور ندارد؛ زیرا این فضا وراء طور عقل است (فصیحی رامندی، ۱۳۹۱: ۳۲). علامه که خود یکی از بزرگترین فیلسوفان زمان است بیان می‌دارد که: فلسفه حرف می‌آورد و عرفان سکوت. آن عقل را بال و پر می‌دهد و این عقل را بال و پر می‌کند. آن نور است و این نار. آن درسی بود و این در سینه. از آن دلشاد شوی و از این دلدار. از آن خداجو شوی و از این خداخو. آن به خدا کشاند و این به خدا رساند. آن راه است و این مقصد، آن شجر است و این ثمر، آن فخر است و این فقر، آن کجا و این کجا (حسن زاده آملی، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

عرفان در غرب: هرچند عرفان جایگاهی در آموزش و پرورش رسمی غرب ندارد، اما مسیحیت زندگی رهبانی را (که شباهت‌های ظاهری‌ای با عرفان اسلامی دارد و البته از طرف دین اسلام مورد نفی قرار گرفته) فرصتی برای دینداری و رهایی از زندگی مادی می‌داند. قلب زندگی رهبانی نیایش، و رایج‌ترین نیایش، ذکر «پروردگارا ترحم فرما» است. در رهبانیت مسیحی خلوت نشینی، نیایش، مراقبه، انجام کارهای سخت جسمانی، پوشیدن لباس خاص و خوردن غذای خاص مورد توجه قرار دارد. سه نذر و تعهد اساسی در رهبانیت مطرح بوده است: ۱. تجرد؛ ۲. فقر داوطلبانه؛ ۳.

اطاعت. در آیین کاتولیک، سه تعهد یادشده، که اساس حیات دینی گروه‌های مختلف را تشکیل می‌دهد، "اندرزهای کمال"۱ نامیده می‌شود (رسول زاده، ۱۳۹۰: ۸۶). علی‌رغم اینکه اندیشمندان غربی عموماً واژه "تربیت عرفانی" را قبول ندارند و یا اینکه به جای آن از تربیت معنوی استفاده می‌نمایند، ولی تعدادی از متفکران غربی در خصوص معرفت‌شهودی و ارتباط آن با عقلانیت مطالب مفیدی را طرح نموده‌اند. از نظر برونر ۲ تفکر شهودی عبارت است از بصیرت و یافتن ناگهانی پاسخ بعد از آن که فرد مدت زیادی را صرف حل مسئله می‌نماید. آرنهایم ۳ در ۱۹۸۵ نیز شهود را وجهی از وجوه تفکر عقلانی به حساب می‌آورد. بر طبق نظر وی شهود چیزی نیست جز همان توانایی ادراک سریع و مستقیم یک پدیده. همچنین شهود و تفکر عقلانی لازم و ملزوم یک‌دیگرند و در کنارهم معنا پیدا می‌کنند چرا که منبعی واحد (مغز) دارند (شمشیری، ۱۳۸۴: ۷۶). هانری برگسون نیز از جمله کسانی است که در ایجاد نظریه‌ی ماورای فردی مؤثر بوده است. او رساله‌ایی در باب معلومات بی‌واسطه ضمیر، منتشر کرد. برگسون در ۱۹۰۶ در کتاب خود بنام تطور خلاق، وجود صانع را با تمسک به طرح و نظام عالم خلقت اثبات کرد. او احیاکننده اعتقاد به اصالت حیات است و یک نوع فلسفه جزئی مقرون به عرفان دارد. همان‌طور که دکارت قائل بود حواس وسیله‌ی کشف نیستند، بلکه فقط وسیله‌ی ارتباط علمی با خارجند، برگسون نیز قائل بود که حس و عقل هیچ‌کدام وسیله‌ی کشف حقیقت نیستند، بلکه وسیله‌ی کشف حقیقت قوه‌ی دیگری است که ما از آن به عنوان درونی‌بینی یا شهود باطنی نام می‌بریم و می‌توان آن را عالی‌ترین مراتب عقل نامید. انسان با نوعی تفکر در خود و یا شهود درونی نفس می‌تواند به حقیقت مطلق راه یابد. در واقع برگسون شناخت را تنها از راه دل میسر می‌داند. یکی از ویژگی‌های اساسی دیدگاه ماورای فردی در روانشناسی "استعلا" است که مستلزم «گشوده بودن نسبت به هستی» (Suggestology) است. از طریق استعلا رابطه‌ای پویا میان فرد و عالم کائنات ظاهر می‌شود. گشوده بودن نسبت به بی‌نهایت ملازم با گشوده بودن نسبت به روحانیت انسان و پذیرای آن بودن است. روحانیت دلالت بر نوعی ارتباط میان حیات درونی فرد و بی‌نهایت دارد. آموزش و پرورش ماورای فردی درصدد پرورش و رشد ارتباط میان جهان درونی فرد با جهان‌های خارجی است. این کار با استفاده از

1 Counsels of Perfection

2 Bruner

3 Arnheim

فنونی مانند: تجسم، غور در باطن و عمل رؤیایی صورت می‌گیرد (میلر، ۱۳۷۹). بهشتی در یک تعریف تخصصی سعی نموده ابعاد مهم «تربیت عرفانی» را بازنشانی نماید: «تربیت عرفانی این است که مربی و متربی ضمن زندگی در میان مردم و اجتماعات انسانی و بهره‌مندی از لذات دنیوی با پیرایش نفس از رذائل و آلودگی‌های تن و روان و رهایی از دنیای حس و ماده با زهد و عبادت و عقل، با درپیش گرفتن راه سعادت، خود را به فضائل بیاراید و با پشت سر گذاشتن مقامات و مراحل سلوک عرفانی به فنای فی الله و بقای بالله نائل گردد. در این تعریف، تربیت عرفانی فقط به متربی محدود نمی‌شود بلکه مربی و سامانه آموزشی را نیز دربر می‌گیرد؛ بنابراین خودپروری و دیگرپروری است» (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۸۴). علامه جعفری تربیت عرفانی را جزو بالاترین مراتب تربیت یا «گردیدن» می‌داند و در تبیین آن می‌گوید: «گردیدن عرفانی آن حرکت روحی است که از مبدئی شروع و با پیمودن مسیری خاص، وارد هدف اعلای حیات می‌شود.» مبدأ این حرکت سازنده عبارت است از آگاهی و بیداری از خوابی که در گهواره طبیعت، تمام وجود انسان را گرفته است. و این بیداری و آگاهی است که جدی بودن جهان هستی را اثبات می‌کند. این انسان در قبال انسان‌های دیگر احساس مسئولیت می‌نماید و آنان را در حرکت مسیر خود مشترک می‌داند، چنین شخصی از محبت الهی در حد اعلا بهره‌مند است (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۲۴). جوادی آملی نیز با رویکرد عرفانی، هدف تربیت را پرورش انسان کامل تا باریافتن به مقام خلافت الهی و مظهر صفات جمال و جلال خدا شدن قلمداد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۴).

ابعاد تربیت عرفانی: تربیت اصیل باید منجر به رشد همه‌جانبه و متوازن متربی و حتی مربی شود. از آنجا که شکل‌گیری هر عمل اختیاری در انسان مبتنی بر سه امر است: شناخت، میل و انگیزه و عمل؛ لذا در این پژوهش سه بعد یا مؤلفه اصلی: معرفت، عاطفه (عشق) و عمل برای تربیت عرفانی در نظر گرفته شده است که روش‌ها استخراج شده نیز بر همین مبنا تقسیم شده‌اند.

پیشینه پژوهش

زینالی‌خامنه (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان "اصول و روش‌های تربیت عرفانی در اندیشه‌های امام خمینی (ره)" با روش توصیفی-تحلیلی، به استنتاج نه اصل تربیتی می‌رسد. و برای وصول به اصول نه‌گانه روش‌هایی مانند یقظه-زهد-مشارطه، مراقبه، محاسبه-تقوا-پرهیز از خودبینی-

خودشناسی - تسیح-زکر - دعا-نماز و.. را نام می‌برد. بهشتی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "تبیین دیدگاه تربیت عرفانی بر مبنای آموزه‌های حکمت سینوی" سعی نموده با روش تحلیل محتوا، مفهوم، مبانی، مراحل، اصول، اهداف و روش‌های تربیت عرفانی از دیدگاه بوعلی‌سینا را تبیین نماید. قیصوری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "نقش تربیتی نفس از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی" می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی نفس را از دیدگاه علامه تبیین کند؛ لذا مباحث مربوط به جایگاه و تعریف حقیقی نفس، مراتب نفس و راه‌های رسیدن به معرفت نفس را از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار داده و با توجه به این دیدگاه‌ها، دلالت‌های تربیتی آن را استخراج نماید. علامه راه‌کارهایی را برای رسیدن به معرفت نفس بیان می‌کنند؛ از جمله: مراقبه، علم و عمل، یادمرگ، بقاء، توسل به قرآن و معصومین (علیه‌السلام). کوک^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «آموزش اسلام، آموزش عرفان اسلامی» این آموزش عرفانی را دارای پیچیدگی زیادی می‌داند. او در پرداختن به بحث تصوف، نه تنها به تحولات اصلی تاریخی، شخصیت‌های مقدس و آداب و رسوم آن توجه کرده (مثل، تصاویر خلاق و استعاره‌های غزالی، شعر جاودانه جلال‌الدین رومی، دیدگاه‌های عرفانی ابن‌العربی و...)، بلکه در مورد بحث‌های جنجالی این حوزه نیز دقت داشته است. (به عنوان مثال، آیا روش‌های مورد استفاده شخصیت‌های مقدس صوفیه واقعاً اسلامی است؟ آیا تفسیرهای خلاقانه و گاه پرشور متون مقدس که آنها تبلیغ می‌کنند فراتر از مرزهای توحید سختگیرانه است؟) علاوه بر این، این موضوع را مورد توجه قرار داده که چگونه تصوف وسیله‌ای برای گرویدن گسترده به اسلام فراهم کرده و زمینه‌ای خلاق برای هنر و فرهنگ اسلامی فراهم آورده است. کندی^۲ (۲۰۱۳) در مقاله «ویژگی‌های تجارب عرفانی^۳ و تأثیر مراقبه^۴» سعی کرده است تا تعریف ماهیت، خصوصیات، طبقه بندی، تأثیر تجارب عرفانی و تأثیر مراقبه را ارائه کند. و نتیجه می‌گیرد که: برخی از نویسندگان تجربه عرفانی را مفهومی می‌دانند که می‌تواند لحظه به لحظه در روند پیشرفت حالات بالاتر آگاهی رخ دهد. برای آنها حالت اصلی آگاهی، "هوشیاری ناب" است و از این طریق این حالت‌های بالاتر آگاهی ایجاد می‌شود. مفهوم تجربیات عرفانی هرچه

1. David Cook
2. Suneetha Kandi
3. Mystical Experiences
4. Meditation

باشد، بی نظیر و بسیار فردگرایانه است. با این حال، نشان داد که برخی از الگوها پدید آمده‌اند که بر اساس آنها ویژگی‌های مشخصه تجربیات عرفانی معین شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر برای پاسخ به سوال یک، باید با استفاده از تکنیک‌های اسنادی و تحلیل مفهومی به مطالعه و جستجو در آثار درجه اول علامه در خصوص انسان‌شناسی مبادرت شود تا مبانی عام انسان‌شناختی علامه در دو سطح تبیین گردد. پس از استنباط مبانی عام نوع یک تربیت عرفانی و هم‌چنین تعیین باید‌های حیاتی انسان عرفانی، با استفاده از روش استنتاج پیش‌رونده و در یک قیاس عملی، هدف غایی تربیت عرفانی تعیین شود. سپس خصوصیات و ویژگی‌های انسان در هر بعد تربیتی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد که در قیاس عملی دیگری با کمک هدف غایی، اهداف واسطه‌ای تربیت عرفانی استخراج شود. و در نهایت با نظر به گزاره‌های واقع‌نگر مبنایی نوع دوم و اهداف میانی، اصول و ملاحظات تربیتی استنتاج خواهد شد. قیاس عملی چهارم در این استنتاج پیش‌رونده از اصول تربیتی به عنوان مقدمه اول، و از مبانی نوع سوم به عنوان مقدمه دوم استفاده خواهد کرد، که در نتیجه این قیاس "روش‌های تربیتی" استنتاج می‌گردد. الگوی استفاده از قیاس-های پی در پی قبلاً توسط باقری در کتاب "درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران" استفاده شده است. بنابراین روش اصلی مورد استفاده در این پژوهش برای پاسخ به سوال دو، سه و چهار، روش استنتاج پیش‌رونده است که روشی عقلانی و استدلالی با قدرت تبیینی و توجیهی بالاست و اعتبار برون‌دینی هم دارد.

سوالات پژوهش

- ۱- مبانی تربیت عرفانی مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده آملی کدامند؟
- ۲- روش‌های تربیت عرفانی نوجوانان، مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن‌زاده-آملی، در بعد شناختی کدامند؟

- ۳- روش‌های تربیت عرفانی نوجوانان، مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن زاده - آملی، در بعد گرایشی کدامند؟
- ۴- روش‌های تربیت عرفانی نوجوانان، مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی علامه حسن زاده - آملی، در بعد عملی کدامند؟

یافته‌های پژوهش

انواع مبانی تربیت عرفانی

مبانی تربیت عرفانی مجموعه قانون‌مندی‌هایی است که تعلیم و تربیت بر آنها تکیه دارد و در حقیقت به منزله ویژگی‌های عمومی انسان است که شاخه‌ای از توصیف انسان به حساب می‌آید و عبارت است از قضیه‌های حاوی «است» که به ارائه تصویری از واقعیت‌های بنیادی وجود و حیات آدمی در دو حوزه طبیعی و بخصوص ماوراء طبیعی پرداخته و زمینه را برای تشکیل گزاره‌های تجویزی (اهداف تربیت، اصول تربیتی و روش‌های تربیتی) فراهم می‌آورد. باقری مبانی را به سه دسته تقسیم نموده است: ۱. مبانی نوع اول: این مبانی تأثیر خود را در تعیین ویژگی‌های اهداف اساسی تعلیم و تربیت و نیز ساختار مفهوم تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد. ۲. مبانی نوع دوم: این مبانی تأثیر خود را در تعیین اصول تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد. ۳. مبانی نوع سوم: تأثیر خود را در تعیین روش‌های تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد (باقری، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴) بر اساس روش تحقیق تحلیلی و تکنیک‌های اسنادی مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی نوع یک عبارت‌اند از: ۱. انسان جامع تمام حقایق است. ۲. انسان ولی‌الله است. ۳. انسان کمال عالم کیانی و غرض آن است. مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی نوع دوم عبارت‌اند از: ۱. انسان یک هویت ممتد از فرش تا فوق‌عرش است. ۲. انسان دارای فقرذاتی و فقر استکمالی است. ۳. حرکت انسان به سوی خداوند است. و مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی نوع سوم عبارت‌اند از: ۱. شناخت نفس در گرو معرفت نظری و معرفت شهودی است. ۲. اعتدال در گرو حاکم شدن صفات انسانی و حاکم نشدن طبیعت بر انسان است. ۳. علم با تأثیر بر نفس خاصیت انسان‌سازی پیدا می‌کند. ۴. تقویت نفس در گرو برنامه مراقبت روزانه است. ۵. بدن تحت اراده نفس است. ۶. اسباب مسخر پروردگارند. ۷. تأثیر فقه بر تسلیم نفس در برابر

خداوند. ۸. تأثیر خیالات بر انتخاب‌ها. ۹. از مقتضیات رعایت ادب مع‌الله، شکرگذاری عبد است. ۱۰. تأثیر ذکر بر کمال تدریجی نفس. ۱۱. نقش محبت و عشق در گرایش به سوی خداوند. ۱۲. احتجاج و استدلال. ۱۳. تأثیر الگو در جهت‌گیری انسان.

در این پژوهش با استفاده از روش استنتاج پیشرونده، سلسله قیاس‌های عملی‌ای به کار گرفته خواهد شد. ابتدائاً بعد از تعیین هدف غایی تربیت عرفانی که همان رسیدن به "فنا فی‌الله" و "بقای بعد از فنا" است، باید گزاره‌های واقع‌نگر دوره نوجوانی را تعیین نمائیم که در مراجعه به کتاب‌های غنی و دو جلدی محمدجواد معرفت با عنوان "جوان از نظر عقل و احساسات" موارد زیر به‌عنوان گزاره‌های واقع‌نگر این سن و به نقل از خود ایشان و تعدادی از روان‌شناسان معروف تعیین شد. که در سه بُعد مورد نیاز دسته‌بندی شده‌اند:

گزاره‌های واقع‌نگر مرتبط با بعد شناختی	گرایش به فهم مجهولات-افزایش توانمندی‌های ذهنی-توانایی درک و فهم مفاهیم کلی- تمایل به مواجهه استدلالی و انتقادی با قضایا
گزاره‌های واقع‌نگر مرتبط با بعد گرایشی	تخیلات قوی-احساسات شدید و شورآفرین-رقت قلب-علاقه به مسائل مذهبی و گرایش به ماوراء طبیعت- رشد شدید وجدان اخلاقی و الهام الهی (تقویت قوه قدسی الهی)-تمایل به تمیزی‌های ظاهری.
گزاره‌های واقع‌نگر مرتبط با بعد عملی	قهرمان‌گرایی- توانایی انجام فعالیت‌های سنگین بدنی-رشد قوای بدنی.

در این پژوهش هدف غایی تربیت عرفانی عبارت‌است از فنا فی‌الله و بقای بالله (مقام توحید یا ربوبی شدن) و با تعبیری ساده بدین شکل بیان می‌گردد که: «من برای سالم بودن، آرامش و کمال باید به سوی خدا راه جویم.» این هدف غایی به‌عنوان مقدمه اول نخستین قیاس در کنار گزاره‌های واقع‌نگر به‌عنوان مقدمه دوم این قیاس منجر به تعیین اهداف واسطه‌ای تربیت عرفانی در سه سطح مربوطه خواهد شد:

اهداف واسطه‌ای شناختی	معرفت به خدا(خداشناسی)- سلامت روح و جسم - پرورش حس خداآواری- به‌فعلیت رساندن قوه نظری انسان- شناخت نسبت به وحدت صانع مقلد ملذّب- شناخت انسان کامل.
اهداف واسطه‌ای گرایشی	خداگرایی- پرورش مزاج شایسته- تدبیر تمایلات درونی (هدایت امیال و غرایز)- تقویت نفس ناطقه- انسان باید دائماً سیر صعودی داشته‌باشد.
اهداف واسطه‌ای عملی	سلامت روح و جسم- تدبیر بدن- انقیاد و تسلیم در برابر خداوند- تمیز زیبایی از زشتی و دوری از پلیدی‌ها- تلاش برای حضور همیشگی در محضر خدا- تبعیت از انسان کامل.

این اهداف به عنوان مقدمه اول قیاسی عملی در کنار گزاره‌های مبنايي نوع دوم به عنوان مقدمه دوم این قیاس منجر به تعیین اصول تربیتی زیر خواهند شد:

اصول تربیتی شناختی	معرفت النفس-علم انسان‌ساز-تمنا و طلب-استكمال تدریجی-سیر آفاقی-ولایت‌مداری
اصول تربیتی گرایشی	معرفت النفس-اعتدال-اصل تأثیرنفس بر بدن-فقرزدایی-سیر حقی
اصول تربیتی عملی	علم و عمل انسان‌ساز-تأثیرنفس بر بدن-تجلیه-تخلیه-ادب مع‌الله-ولایت‌مداری

مبانی نوع سوم و روش‌های تربیت عرفانی

مبانی نوع سوم به گزاره‌های واقع‌نگری اطلاق می‌شود که دسترسی به روش‌های تعلیم و تربیت را میسر می‌کند. این مبانی بیان‌گر وسایل یا شیوه‌هایی است که نیل به اهداف یا تحقق اصول تربیتی را میسر می‌کند. در حقیقت روش‌های تربیت عرفانی عبارت‌از توصیه و تجویزی برای استفاده از همین وسایل یا شیوه‌هاست. در مبانی نوع اول و دوم صبغه فلسفی و نظری غالب بود، در مبانی نوع سوم جنبه تجربی و عملی غلبه دارد زیرا وسایل و شیوه‌های عملی تحقق اصول یا اهداف را نشان می‌دهد. آن‌چه که در اینجا باید بحث‌شود پی‌ریزی قیاسی عملی است که منجر به تعیین روش‌های تربیت عرفانی شود. لذا با توجه به اینکه مقدمه نخست این قیاس یعنی گزاره‌های هنجاری شامل اهداف واسطی و یا اصول تربیت عرفانی که در بخش‌های قبل استخراج شده‌اند؛ گزاره‌های واقع-نگر یا همان «مبانی نوع سوم» بعنوان مقدمه دوم قیاس مورد استفاده قرار می‌گیرند و نتیجه این قیاس گزاره یا گزاره‌های هنجاری است که همان «روش‌های تربیت عرفانی» نام دارند و در پی آنها هستیم. البته باید توجه داشت که نتیجه این قیاس می‌تواند منجر به چند روش گردد که در اینجا فقط برای هر بعد یک روش ذکر شده است. نکته مهم این‌که، از آن‌جا که گزاره‌های واقع‌نگر دوره نوجوانی در سه بُعد شناختی، گرایشی و عملی تعیین شدند، و این گزاره‌ها به ترتیب در تعیین اهداف واسطه‌ای و سپس در تعیین اصول تربیتی موثرند؛ و این اصول تربیتی همراه با گزاره‌های مبنايي نوع سوم مرتبط با هر اصل، روش‌های تربیتی را نتیجه می‌دهند که در بُعد مرتبط با همان گزاره واقع‌نگر ابتدایی تقسیم‌بندی شده‌اند. و این روش‌ها در تربیت همان بعد نیز موثرند.

روش‌های تربیت عرفانی در بعد شناختی

روش تزکیه علمی عملی

- اصل: معرفت النفس.

- مبنا: شناخت نفس در گرو معرفت نظری و معرفت شهودی است.

روش تزکیه علمی و عملی: علامه معرفت به نفس را مقدمه معرفت توحیدی می‌داند و لذا معرفت- النفس را نیز شناختی می‌داند که فقط با فکر و نظر محقق نمی‌شود بلکه نیاز به شهود و عمل دارد. لذا بیان می‌دارد: اگر نفس ناطقه انسانی با علم و عمل تزکیه شود به حسب وجودش مشابه جواهر اوائل علل خود می‌گردد. علل اوائل او صور نوری علمی عالی و عاری از موادند و غالب و قاهر و مستولی بر عالم طبیعت‌اند، نفس ناطقه انسانی از علم و عمل مشابه آنان می‌گردد و اشتداد و تأکد وجودی پیدا می‌کند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۵۲۹). تزکیه ریشه در پاک‌سازی و طهارت علمی و عملی دارد که این پاک‌سازی هم در اهداف و هم در وسایل کسب علم و عمل باید مدنظر قرار گیرد.

روش تحصیل علم نافع

- اصل: علم انسان‌ساز

- مبنا: علم با تأثیر بر نفس خاصیت انسان‌سازی پیدا می‌کند.

روش تحصیل علم نافع: فوق‌همه‌ی کارها همین است که انسان خودش را درست بسازد و دانستن، تنها همین دانستن مفهومی نیست. دانستن مفهومی موجب ارتقای وجودی و اعتلای روحی انسان نمی‌گردد و انسان از آن چندان بهره‌ای نمی‌گیرد و به مقام شامخ ولایت تکوینی نمی‌رسد. باید خود آن حقائق نوری که معانی اسماء هستند در انسان پیاده‌شوند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۳: ۱۵). علم انسان‌ساز است، و صفتی انسان را فاضل‌تر و زینده‌تر از علم نیست، که به فراگرفتن آن نور بینش و انسانیت انسان قوی‌تر و بیش‌تر می‌گردد، و آن‌چنان که به دانش و بینش و کنش ساخته شد از این جهان رخت برمی‌بندد، و مرگ، جز قطع علاقه نفس از بدن نیست، و انسان فناپذیر نیست بلکه برای همیشه باقی است. لذا بزرگان علم و کمال، که در فنون علوم در هر فنی مرد یک فن بوده‌اند، تمام زندگی مادی و طبیعی را، از کسب و کار مادی و خواب و خوراک و جز آنها،

همه را وسیله و مقدمه و معد در راه وصول به کمالات انسانی قرار داده‌اند و منطق آنان این‌که: ز گهواره تا گور دانش بجوی (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۳۳۳). علامه با بیان داستان ابوریحان بیرونی که حتی در آخرین لحظات عمر خویش به دنبال علم بوده می‌خواهد بگوید این علم، همان علم نافع است و نافع بودن آن برای نفس ناطقه انسانی است که حقیقت انسان همین نفس است و این علم نافع ممکن است برای بدن مادی که در این عالم جامانده از سفر الهی انسان است تاثیری نداشته باشد. این علم نافع چیزی جز علوم الهی نیست که علامه در رأس آنها قرآن را مادبه‌الله و سفره پربرکت خداوند و ادبستان الهی می‌داند که دستورالعمل سیر و سلوک به سمت حق تعالی است.

روش دعا و مناجات

- اصل: تمنا و طلب

- مینا: اسباب مسخر پروردگارند.

روش دعا و مناجات: دعا از اشرف عبادات است و به حسب عبادت شرافت انسانی تمام می‌گردد و مقصود الهی انجام می‌یابد، چنان‌که خدای عزوجل فرمود: «ما جن و انس را جز برای عبادت نیافریدیم» (ذاریات-۵۷) (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۵: ۶۸). دعا کلید عطاء و وسیله قرب الی‌الله تعالی و مُخ عبادت و حیات روح و روح حیات است. دعا کوبه باب رحمت رحیمیه و سبب فتوح برکات شرح صدر و نور و ضیای سَر است. دل از ذکر و دعا شکسته شود و دل شکسته درست‌ترین و ارزنده‌ترین کالای بازار هستی است که خدا در دل شکسته است. الهی اگر یک‌بار دلم را بشکنی از من چه بشکن بشکنی. **قُلْ مَا يَعْجَبُوكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ بَكَوْا** اگر دعای شما نباشد پروردگار من شما را چه وزن نهد و به‌شمار آورد. هرچند که محبت و عشق اساس ذکر و دعایند ولی در آغاز از ذکر و مناجات و دعا محبت به‌بار آید و در انجام، محبت، ذکر و مناجات و دعا و سوز و گداز می‌آورد. رعایت مواردی در دعا لازم است:

الف - توجه به زمان دعا: اوقات را در تأثیر دعا و احوال داعی، دخلی بسزا است و اگر ابن‌الوقت و بالاتر از آن ابوالوقت شده‌ای طوبی لک و حسن مآب. مطلقاً شب را در ادعیه اذکار و خلوت و فکر شأنی شایان است. لیل غیب است و انسان را به غیب و باطن می‌کشاند و می‌رساند.

بعضی از مشایخ از استادش حکایت کرد که گفت: خداوند سبحان می‌فرماید: اللیل لی. حق تعالی فرموده‌است: إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ أَقْوَمُ قِيلاً * إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (مزمّل- ۷ و ۸) روز بر اثر کسب معاش و تحصیل معاد و تزاوّل هر کس در حرفه و صنعت و شغلی که دارد فراغ بال داشتن دشوار است مگر برای اوحدی از افراد که مظهر اسم شریف «یا من لایشغله شأن عن شأن» می‌باشد که ضابطه جمیع حضرات است و او را حضرتی از حضرتی باز نمی‌دارد به تحقیقی که در فصّ اسحاقی فصوص الحکم به منصّه ظهور رسیده است. اما شب هنگام انزوای از خلق و انقطاع از مشاغل روز است که انسان را به خلوت و وحدت می‌کشاند و خلوت و وحدت، توخّد می‌رسانند، و تا انسان به توخّد نرسیده‌است به ادراکات عقلی و سیر انفسی نائل نمی‌گردد که تعلق با تعقل جمع نمی‌شود. و ما هرچه را که ادراک می‌کنیم از حیث احدیّت وجودی خود ادراک می‌کنیم نه با تفرغ بال. و سیر نفس به تعبیر علامه ابن فناری در مصباح الانس عبارت از تلبّس نفس به احوال متعاقبه است و این احوال واردات نوری است که عائد نفس مستعدّ صافی سائر می‌گردد، و شب را در صفای نفس و عروج آن دخیلی تمام است سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا (اسراء- ۲) حکم روی وصف عنوانی عبد رفته است وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (اسراء- ۸۰). آیات و روایات در حثّ و ترغیب در خلوت و تهجّد شب و استغفار اسحار بسیار است. آن نیک‌بختی که در ورطه من کیستم افتاد به دنبال درمان دردش می‌رود و به نگهداشتن برنامه و یافتن استاد و دل به دست آوردن چاره خود می‌کند و چنین کس را با شب انس سرشار است که صاحب دل است و طالب دیدار است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۵۸-۶۰). شک نیست که مناسبات زمانیّه از اتم مناسبات است چنان‌که نفس کینونت در شهرالله مبارک رمضان برای نفوس مستعدّه اثر تکوینی دارد، و در نزل و قدوم ماه اصبّ رجب برای رجبیون شهود خاصّی است چنان‌که در فتوحات مکّیه در وصف رجبیون عنوان شده‌است، و چند بار این شهود خاصّ رجبی به بعضی از فقرا نیز روی آورده‌است والحمدلله ربّ العالمین. و سیّد بن طاوس در کتاب اقبال گفته‌است: انّ لأوقات القبول أسراراً لله جلّ جلاله ما تعرف الآ

بالمقول. و برخی به معقول نیز شناخته می‌شود و با شعوری مرموز ادراک می‌شود. دیلمی در باب بیست و یکم ارشادالقلوب آورده‌است که قال علی بن الحسین (علیه السلام): «انَّ بَينَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ رَوْضَةٌ يَرْتَعُ فِي نَوْرِهَا الْإِبْرَارُ وَ يَتَنَعَّمُ فِي حَدَائِقِهَا الْمُتَّقُونَ، الْحَدِيثُ.» مراد از روضه، مابین الطلوعین است، و نور (به فتح نون) به معنی شکوفه است. در کتاب دعای کافی بابی در اوقات و احوال امید اجابت دعاء است حدیث ششم آن به اسنادش از امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «خير وقت دعوتم الله عزوجل فيه الأسحار و تلا هذه الآية في قول يعقوب (عليه السلام): سَوْفَ أَسْتَعْفِرُ لَكُمْ رَبِّي (يوسف- ۹۹). قال: أَخْرَجَهُم إِلَى السَّحَرِ.»

ب- توجه به مکان انجام دعا: و بدان که امکانه را هم چون اوقات تأثیری خاص است و اگر فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (قمر- ۵۶) قرار گرفته‌ای که «لیس عند ربك صباح و لا مساء» گواری بادت. و روایات در این باب نیز بسیار است. بلکه ارباب عزائم و مباشران اعمال غریبه از اوقات و غیره در جمالی مکانی خاص می‌گزینند، و در جلالی مکانی خاص، چنان‌که عیانی در مفاتیح‌المغالیق در هریک از اعمال جمالی و جلالی بدان نص دارد و این کلامی حق است و بسط و تفصیل آن خواص را به کار آید. مثلاً در جوامع روایه آمده‌است که فرائض را در یک محل مخصوص و معین منزل بخوانید یعنی برای خود مصلای خاصی برای ادای فرائض قرار دهید و در وقت احتضار شما را در آنجا گذارند که موجب تخفیف شداید و غمرات موت است. ولی نوافل را در اماکن متعدد بخوانید که برای شما شاهد باشند (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ۶۱).

پ- توجه به لحن دعا: عبارت دعا را صحیح باید خواند زیرا دعای ملحون به سوی خدا بالاترود. با اختلاف اعراب کلمات در معانی آنها نیز تغییر حاصل می‌شود و صورت مخالف با معنی می‌گردد و لفظ ملحون موجب نفرت طبع سامع می‌گردد (همان: ۶۶)

روش تفکر و ذکر دائم

- اصل: استکمال تدریجی^۱

- مبنا: تأثیر ذکر بر کمال تدریجی نفس

روش تفکر و ذکر دائم^۲: همان طور که طفل در مدت دو سال یا کمتر و بیشتر مطابق استعداد و اعتدال مزاجش از شنیدن کلام و اراده تکلم کم کم به نطق می آید و گویا می شود، قلب سالک صادق هم بر اثر مداومت در حضور و انصراف فکر به قدس جبروت و دوام ذکر حق، به نطق می آید که حتی ذکر قلب شنیده می شود، و این نطق نیز مانند نطق ظاهری بنابر استعداد باطنی سالکان متفاوت است. و خود ذکر هم مطابق تقلب قلب در اشخاص یا در یک شخص مطابق احوال و اوقات وی مختلف است که مطابق دولت ذکر و توجه قلبی الفاظ مناسب آن چون کلمه طیبه "لا اله الا الله" و "یا الله" و "یا حی یا قیوم" و نحو آنها مسموع می گردد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ۳۹). ذکر، آداب مهمی دارد: شرط بسیار مهم تأثیر اذکار و ادعیه و اوراد و نظائرها طهارت انسانست که صرف لقلقه لسان سودی نبخشد. بلکه مبدا موجب قساوت و بُعد هم بشود زیرا که ذکر عاری از فکر است یعنی قلب بی حضور است و قلب بی حضور چراغ بی نور است و شخص بی نور از ادراک حقایق دور است. و مثل ذکر بی حضور مثل کوری است که در دست او مشعل نور است. در این بیان رسای محقق خواجه نصیرالدین طوسی در شرح فصل هشتم نمط نهم اشارات شیخ رئیس که در مقامات عارفین است دقت شود که گوید: «انَّ العبادَةَ تجعل البدن بکلَّيته متابعاً للنفس فان كانت النفس مع ذلك متوجهة الى جناب الحق بالفکر صار الانسان بکلَّيته مقبلاً على الحق والا فصارت العبادَة سبباً للشقاوة كما قال عزوجل: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

^۱ انسان همواره از صورتی به صورتی و از خلقی به خلقی و از عقیده‌ای به عقیده‌ای و از حالی به حالی و از مقامی به مقامی و از کمالی به کمالی در انتقال است، تا سرانجام از کاملین می گردد و به عالم عقلی می پیوندد و صاحب قوت ظهور در مظاهر و نشانات می گردد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ۵۲۹). گوهر نفس ناطقه به نور علم سعه وجودی می یابد؛ زیرا که علم وجودی نوری و فعلیت مجرد از ماده است و نفس ناطقه به یافتن فعلیت‌های وجودی نوری تدریجاً از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر که مرتبه مدرک اوست انتقال و استکمال می یابد و ترقی وجودی می کند، و از نقص به کمال می رود و فعلیت بر فعلیت می افزاید (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ج ۴: ۱۶۴).

^۲ الهی ... توفیق دوام در صلاتم مرحمت بفرما که الذین هم علی صلاتهم دأمنون کامروا هستند (حسن زاده آملی، ۱۳۶۲: ۲۲).

بباید بود دائم در حضورش که تا بینی تجلیهای نورش
حضوری را فؤاد مستهام است حضوری را مقام لامقام است

و تمام عبادات و ادعیه و اذکار برای به بار رساندن این تخم رستگاری است. همت بگمار تا این دستور بسیار بسیار گران‌قدر را که در آخر جامع‌الخبار منسوب به صدوق از کشف حقائق امام به حق ناطق ابوعبدالله جعفر صادق(علیه‌الصلوة والسلام) روایت شده است حلقه گوش خود قراردھی و آن اینک: «القلب حرم‌الله فلا تسکن فی حرم‌الله غیرالله» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۵: ۶۳)

روش احتجاج و استدلال

- اصل: سیر آفاقی^۱

- مبنا: تاثیر استدلال بر اثبات و حدانیت و تقدیر و تدبیر خداوند

روش احتجاج و استدلال: مبنای پیشرفت عقل و هشدار بشار به احتجاج و استدلال است که به سه قسم برهان و خطابه و جدال احسن تقسیم می‌شود، چنان‌که قرآن کریم بدان‌ها ناطق است که اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل-۱۲۶) (حسن زاده آملی، ۱۳۸۸: ۴۸). استعدادها مختلف است و هرکسی را بهر کاری ساخته‌اند و همه افراد بدان دست نمی‌یابند و رنج تحمل بار سنگین علم را نمی‌کشند و رسیدن به این مقام کار هرکس نیست. آری رخش می‌باید تن رستم کشد. اما بسیاری از مردم، به حسب فطرت، دوستدار معارف و اعمال نیکویند، علم و اهل علم را دوست می‌دارند و به آنان تقرب می‌جویند و به ذکر رفتار و کردار و گفتار صلحا رغبت می‌نمایند و از آن لذت می‌برند و به حال آنان غبطه می‌خورند و از نادانی خود رنج می‌برند، هر چند طاقت تحمل بار استدلال و برهان را ندارند. معلمان واقعی بشر و مکملان نفوس انسانی، که هدف عالی و نهائی و مقدس‌شان به ثمر رساندن نهال‌های وجود انسان‌ها و به مرتبه کمال نائل شدن آنها می‌باشد، نظر اولی آنان تفهیم و تلقین حقائق به نفوس مستعدّه از راه برهان است که حجتی تمام و یقین‌آور است؛ و چون طرف را شایسته آن نبینند از ایقانیات به اقناعیات روی آورند، اعنی به راه خطابه درآیند، و اعمال شایسته و پیراسته و اقوال آراسته و بایسته را به آنان تعلیم می‌دهند و طریقت و سیرت مردان حق را، چه فعلی و چه قولی، در مقدمات خطابی خود به کار می‌برند تا آنان را فرا راه رستگاری بدارند. این است که فرموده‌اند برهان

^۱ با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم ترا (فروغی بسطامی)

خواص را به کار آید و خطابت عوام را. چنین معلمانی، دور از شأن و خرد و هدف و غرض انسانی آنهاست که به ایراد قضایای تخیلی و وهمی و به کار بردن صناعت شعری و مغالطی ایجاد تأثیرات شعری و مغالطی در نفوس نمایند و چون کسانی را سر لجاج و عناد باشد و بخواهند با حق و اهل حق ستیزگی نمایند و یا پنجه علمی دهند و کشتی علمی بگیرند با آنان به جدال برخیزند، آن هم به طریقه‌ای احسن که غرض استنقاذ غریق یا دفع شر و فتنه است^۱ (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۴۷۴).

روش الگوگرایی (الگوشناسی)

- اصل: ولایت‌مداری

- مبنا: تاثیر الگو در جهت‌گیری انسان

روش الگوگرایی: علامه انسان کامل را غایت خلقت عالم می‌داند: غایت حرکت ایجادیه ظهور حق در مظهر تام مطلق شامل جمیع جزئیات مظاهر است و آن انسان کامل است، و این اطلاق سعه وجودی است که حاوی همه شئون است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). ایشان معتقدند که انسان کامل ولی‌الله است لذا برای مسافران راه توحید بهترین راهنماست و انسان باید با پذیرش ولایت او مسیر صعب‌العُبور معرفت خداوند را پیماید. ایشان در قرآن کریم نیز با نگاه الگویی تأمل نموده و معتقد است سالکان طریق هدایت باید به فراخور حال خویش به روش انبیاء و اولیائی که در قرآن ذکر شده‌اند عمل نمایند.^۲

روش‌های تربیت عرفانی در بعد گرایشی

روش ادراک ذوقی

- اصل: معرفت‌النفس

- مبنا: شناخت نفس در گرو معرفت نظری و معرفت شهودی است.

^۱ در قرآن کریم به رسول الله خاتم النبیین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که مردم را به سه طریق برهان و خطابه و جدل به راه پروردگارش دعوت کند و شعر را برای او روا و سزاوار نمی‌داند. در سوره یس، آیه ۷۰ فرمود: «وَمَا عَلَّمْنَا الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ». ^۲ و شایسته است که انسان نازل در منزل یقطه و عارف به منطق وحی یک دوره قرآن کریم را به دقت به این عنوان قرائت کند که اسمایی را که خداوند سبحان بدانها خویشتر را وصف می‌فرماید، و نیز آنچه را ملائکه او را بدانها نداء می‌کنند، و نیز دعای انبیاء و اولیاء را که خداوند سبحان در پیش آمد شاداند اوضاع و احوال آنان از زبانشان نقل فرموده‌است که در آن شاداند احوال و اوضاع خدای تعالی را به اسمی خاص و دعائی مخصوص خوانده‌اند، انتخاب کند. بدیهی است که نمونه آن شاداند احوال برای دیگران به فراخور قابلیت و شرائط زمانه و روزگار آنان پیش می‌آید و کأن هر یک از آن اشخاص و حالات عنوان نوعی دارد که در هر گُوره و دوره و در هر عصر و زمان در دیگران طوری ظهور و بروز می‌نماید، این کس نیز در پیش آمدهای زندگی خود که مشابه با آن حالات است خداوند را بدان اسم و دعا و ذکر و مناجات بخواند و آن را وسیلت نجات و سعادت خود قرار دهد چنانکه از تدبیر و غور در بسیاری از آیات و تأمل و دقت در بسیاری از روایات حث و تحریص بدین دستورالعمل استفاده می‌شود. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۱۱)

روش ادراک ذوقی: دانستن ماهیات و مفاهیم کلیهٔ اشیاء و معانی انشائیه یا انتزاعیه از آنها، مثلاً جسم چگونگی جوهری و نفس چگونگی جوهری است و معنی عرض چیست و چند مقوله است، هر چند کمال است و لکن انسان به پروراندن نفس و معرفت آن، به ادراک خاص حقائق عینی وجودات نائل می‌گردد و کیفیت آثار و خواص وجودی آنها را می‌یابد، که نیل به آن مستلزم سیروسلوک‌ها و کتل‌ها و گردنه‌ها پیمودن است. این ادراک خاص، در زبان اساطین معارف حقه، به "ذوق" تعبیر می‌شود که باید رسید و چشید. آن دانا شدن است و این دارا شدن. هر چند هر دانایی به لحاظی دارایی است، ولی آن کجا و این کجا. آن دانایی نتیجهٔ تعریفاتی‌اند که منتج تصورند و فویش نتیجهٔ قیاساتی‌اند که منتج تصدیق‌اند؛ و هیچ‌یک این دو، در ادراک حقائق و وجدان آنها، کافی نیستند، چه این ادراک فوق‌طور عقل است که مسیر علمی فلسفی است. از تعریف حلوا، شنونده ممکن است که معنای آن را به خوبی ادراک کند؛ ولی اگر یک‌ذره حلوا را بچشد بهتر از هزار نحو تعریف به حد یا رسم آن است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۵۵۲). روش ذوقی از نظر علامه روشی وجدانی و کشفی است و نه برهانی و کسبی، و نه با ایمان و تقلید بدست می‌آید. و حقیقت سلوک عرفانی و این روش ذوقی، تخلق به اخلاق رحمانی و تأدب به آداب قرآنی است. این روش را می‌توان روش عاشقی نیز نامید.

روش تسخیر طبیعت خویش

- اصل: اعتدال

- مبنا: اعتدال در گرو حاکم شدن صفات انسانی و حاکم نشدن طبیعت بر انسان است. روش تسخیر طبیعت خویش (تمرین برای میانه‌روی در صفات حیوانی): در این روش صفاتی که نشان‌دهنده وجه حیوانی انسان هستند باید با میانه‌روی کنترل شوند. علامه می‌گوید: اکثر مردم را که می‌بینی طبیعت‌شان بر آنها حاکم است. هر وقت بخورند، هر جور بخورند، هر طور که باشند، هر چه بگویند، دنبال هر گونه مشتتهای نفسانی بروند، تا می‌رسد به جایی که حیوان باهوشی است. گاو خوش علف است. اصلاً آن شامه‌ی عقلانی را ندارد. غذاها را، کارها را، اصلاً بو نمی‌کند. هر چه نفس خواسته، طبیعتش خواسته، می‌گوید (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۳). البته علامه مخالف ریاضت‌های غیر شرعی است و لذا بدن را تور شکار و سواری راهوار می‌داند و هشدار می‌دهد

مبادا با او چنان کنیم که نه به کار شکار آید و نه تواند سوار را به جایی برساند. ره چنان رو که رهروان رفتند. کسی به ما نگفت که شب و روز را با یک دانه‌ی خرما به سر ببریم. در حد اعتدال، بدن نیاز به تعیش دارد؛ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا (اعراف-۳۲) (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۹: ۲۵). تأمین نیازهای طبیعی بدن به عنوان محل حدوث نفس یکی از مباحث اساسی مطرح شده بوسیله علامه در سیر و سلوک عرفانی است. او به میانه‌روی در برخورد با جسم انسانی تأکید زیادی دارد. هم با زیاده‌روی و افراط در رسیدن به جسم که باعث تنبلی می‌شود و هم با سخت‌گیری‌های تفریطی که باعث ضعف و مانع شدن از پرواز نفس گردد مخالف است.

روش عقل‌گرایی و مخالفت با هوای نفس

- اصل: تأثیر نفس بر بدن

- مبنا: امیال، عواطف و گرایش‌ها تحت اراده نفس است.

روش عقل‌گرایی و مخالفت با هوای نفس: افضل صفات آنست که انسان مالک شهوت و غضب خود و نفس ناطقه‌اش حاکم بر امیال و هوای حیوانی گردد و هر جا شهوت و غضب خواست در مقابل عقل قدسی عرض اندام کند، این دو قوه را به کلی در برابر اراده عقل مغلوب گرداند و غرض از جهاد اکبر همین مخالفت با شهوت و غضب است که انسان به هر مقامی رسید از مراتب عالی علم و معرفت و سعادت به واسطه مخالفت با هوای نفس رسید و این دو قوه شهوت و غضب، دو قوه بسیار شریفند در صورتی که تابع عقل و اراده شرع باشند چون بقای هر نوع و کمال هر شخص تابع این دو قوه است به شرط مذکور چنان‌که در حدیث نبوی ذکر شد که اگر انسان حاکم بر شهوت خود شود از ملک بالاتر رود پس سرآمد فضائل انسان مالک غضب و حاکم بر شهوت شدن است و اجرای میل این دو قوه را تابع عقل منور و شرع مطهر داشتن (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۸۰). خواجه طوسی در شرح فصل هشتم نمط نهم اشارات بیان می‌دارد: ریاضت بهائیم یعنی رام کردن آنها این است که راض آنها را از اقدام بر حرکاتی که بدان راضی نیست باز دارد و بر آنچه که بدان راضی است وادارد تا بر طاعت وی خوگیرند. و قوه حیوانی که مبدأ ادراک و افاعیل حیوانی در انسان است هرگاه طاعت قوه عاقله ملکه‌اش نشود به منزله بهیمه رام نشده است که گاهی شهوتش و گاهی غضبش او را به سوی ملامش می‌خوانند. و این دو یعنی

شهوَت و غضب باری به سبب آنچه که قوّه حیوانی به یاد آن می‌آید و باری به سبب آنچه که از حواسّ ظاهر بدو می‌رسند برانگیزاننده قوّه متخیّله و متواهمه‌اند، پس قوّه حیوانی به حسب این دواعی حرکات مختلف حیوانی می‌نماید و قوّه عاقله را در تحصیل خواسته‌هایش استخدام می‌کند. لذا او قوّه اماره‌ایست که از وی افعال مختلف به اختلاف مبادی صادر می‌شوند و قوّه عقلیه از روی کره وی را فرمان می‌برد و پریشانست. اما چون قوّه عاقله او را به سبب منع‌کردنش از تخیّلات و توهمات و احساسات و از افاعیل برانگیزاننده شهوت و غضب رام کرد و بر آنچه که مقتضای تعقل عملی است واداشت تا بر اطاعت او خو کرد و در خدمت او ادب یافت و به امر او فرمان برد و از نهی وی سرپیچی نتواند کرد، قوّه عقلیه آرمیده می‌شود و از وی چنان افعال مختلف به اختلاف مبادی صادر نمی‌گردند و باقی قوا همگی فرمان‌بر اویند و وی را گردن می‌نهند (حسن‌زاده - آملی، ۱۳۸۵: ۶۱).

روش مشارطه، مراقبه، محاسبه

- اصل: فقرزادایی

- مبنا: تقویت نفس در گرو برنامه مراقبت روزانه است.

روش مشارطه، مراقبه، محاسبه: مشارطه: یعنی در ابتدای روز با خود قراربگذار و تصمیم‌بگیرد که بنده‌ی خوبی باشد، گناه‌نکند و مطابق دستور و رضای خدا رفتار کند. مراقبت: مراقب باشد به قرار و تصمیمی که با خود گذاشته‌است پایبند باشد و نیز همواره توجه داشته‌باشد که خداوند بر هر چیزی مراقب است و خدا را آن‌گونه عبادت کند که گویا او را می‌بیند، که اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند. محاسبه‌ی نفس: امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «از ما نیست کسی که هر روز از خودش حسابرسی نکند. اگر عمل نیکی انجام داده بود از خداوند افزون بر آن را طلب کند؛ و اگر عمل بدی انجام داده بود از خدا استغفار و توبه کند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۲: ۷۷). در این روش علامه می‌خواهد با حسابرسی از نفس، مانع از غفلت از دشمن درونی شود و نفس را مقید به اطاعت همیشگی از الله و حاضر دانستن دائمی خویش در محضر پروردگار نماید.

۱ کلینی (محمد بن یعقوب)، کافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

روش محبت ورزیدن و معاشقه با خداوند

- اصل: سیرِ حُبِّی^۱

- مبنا: نقش محبت و عشق در گرایش به سوی خداوند

روش معاشقه و محبت ورزیدن: خواجه طوسی در شرح فصل ۱۸ نمط ۸ اشارات، "عشق" را چنین تعریف کرده است: «والحبُّ إذا أفرط سَمَى عشقاً» یعنی محبت که به غایت رسد عشق است. و اگر خواهی آن را الفت بنامی هم روا است و در آیات الفت قرآن تدبیر شود. پیچک را به تازی عشقه گویند. همچنین در فرهنگ فرانسه، لی ژر (Lier, Lierre) به معنی بستن و پیوستن است و پیچک را چون سخت به درخت می پیوندند، لی ژر گویند که در اصطلاح صرف عربی «کثرة المبانی تدلّ علی کثرة المعانی»، و به همین مناسبت عاشق را لی ژر خوانند. دیدی که چگونه پیچک، سخت درخت را دربر می گیرد، در باب عبادت اصول کافی از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که آن حضرت فرمود: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): «أفضل الناس من عشق العبادَةَ فعانقها و أحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها فهو لايبالي علی ما أصبح من الدنيا علی عسر أم علی يسر.»

نصر بن مزاحم منقري کوفی در کتاب صفین گوید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسیر صفین چون به نینوا رسید، توقف کرد و بدانجا اشارت نمود و فرمود: «هذا مناخ ركاب و مصارع عشاق لايسبقهم من قبلهم و لايلحق من بعدهم.» (حسن زاده آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۷) در جایی دیگر بیان می - دارد که: معنی عشق نیست مگر فرط محبت و استیلاي آن، که در قرآن مجید از آن به شدت حبّ تعبیر شده چنان که می فرماید: وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (بقره-۱۶۶) (لیک آنان که گرویده اند، خدای را دوست تر اند). وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا... (بقره-۱۶۸) آنان که پیروی کرده اند، گویند: کاش باز گشتی مان بود، تا از آنان بیزاری می جستیم چنان که از ما بیزاری جسته اند. خداوند این چنین کردارهاشان را چون مایه های فسوسی به آنان نماید و خود از آتش برون شونده نیند) (حسن زاده آملی، ۱۳۸۸: ۲۵۱). محبت و عشق اساس ذکر و دعایند ولی در آغاز از ذکر و مناجات و دعا محبت به بار آید و در انجام، محبت، ذکر و مناجات و دعا و سوز و

۱ مراتب گرایش: (۱) رکون، (۲) میل، (۳) محبت، (۴) عشق، (۵) هیمان که شوریده شدن و شایسته شدن و سرگشته شدن است) (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

گداز می‌آورد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۸). از برکت صفا و پاکی روح، در نهاد آدمی جاذبهٔ محبت به حضرت حق پیدا گردد، که تولید آن از مجذوب شدن قهری است به عالم حقیقت و سرد شدن از عالم مجازی که عرصهٔ ناپایدار ممکنات است. و رفته‌رفته محبت شدت نماید، و اشتعال و افروختگی عجیب در روح عیان گردد، و از خود بی‌خود و بی‌خبر شود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۶۲۴). هر که با خلق خدا اعم از خانواده خود و رفیقان و همسایگان، خلق نیکو دارد و به اخلاق خوش معاشرت کند همه او را دوست می‌دارند و نزد هر کس محبوب و محترم است و بالنتیجه در دنیا رزق وسیع و در آخرت، مقام رفیع خواهد یافت و باید این نکته را بدانیم که خلق نیکو نه تنها زبان خوش است بلکه اتصاف روح پاک به محبت و سیرت انصاف و مروّت و عدل و امانت است و وفای به عهد و صدق و صفا و یکرنگی است و علم و حلم و معرفت و احسان به خلق است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۹۰).

روش‌های تربیت عرفانی در بعد عملی

روش کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های انسان

- اصل عمل انسان‌ساز

- مبنا: نقش ارتزاق و طعام در تربیت نفس

روش کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های انسان (تحصیل عمل صالح): انسان آن لقمه‌ی نانی را که به دهان می‌گذارد اگر از روی حساب نباشد، هرزه‌خوار می‌شود، و انسان هرزه‌خوار هرزه‌گو می‌گردد. آن دهانی که وارداتش آلوده است صادراتش هم آلوده است. به قول شیخ بهایی در «نان و حلوا»:

لقمه کآمداز طریق مشتهبه خون خور و خاک و بر آن دندان منه
کان تورا در راه دین مفتون کند نور عرفان از دلت بیرون کند

۱ زید شخام، حضرت امام باقر علیه السلام را از تفسیر این آیه‌ی کریمه‌ی *فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ* (عبس-۲۵) سؤال کرده است که: طعام انسان چیست؟ امام در جواب فرمود: بنگرد علمش را از کجا تحصیل می‌کند. آیه، طعام را روی انسان برده است و انسان من حیث هو انسان، غذای او علم و عمل صالح است؛ که علم و عمل انسان‌پرور و انسان‌سازند. باید بین غذا و مغذی سنخیت بوده باشد. غذا گیرنده که انسان شد، مسانخ و مجانس او، یعنی طعام او علم است. گوش انسان، دهان جان اوست. باید دقت داشت که این دهان از کدامین سفره ارتزاق می‌کند (همان: ۱۰).

انسانی که واردات گوشش یاوه، هرزه و گزاف است، صادراتش نیز آن چنان خواهد بود؛ قلم هرزه و نوشته‌های زهرآگین خواهد داشت. چرا دفتر وجود و صحیفه‌ی نفست را به این گونه اباطیل و ترهات پر می‌کنی؟ متألّه سبزواری چه نیکو فرموده است: دفتر حق است دل به حق بنگارش نیست روا پر نقوش باطله باشد. روح که قدسی نگشت و نفس که ناطق روح بخاری و نفس سائله باشد. یکی از عهدهای شیخ رئیس در «رساله‌ی عهد» اش این است که رمان و قصه‌های باطل نخواند (حسن زاده آملی، ۱۳۹۳: ۱۳).

روش تلقین افکار و نیات خوب (مثبت‌اندیشی)

- اصل: تأثیر نفس بر بدن

- مینا: بدن تحت اراده نفس است.

روش تلقین افکار و نیات خوب (مثبت‌اندیشی): تبلیغ تحقیق آن است که متخیله هم دارای نوعی از تجرد از ماده است که روح دماغی (بخاری) مظهر متخیله است. و سرّ در سرایت (یعنی سرایت صفت بعضی مراتب نفس به بعضی دیگر) آن است که نفس جسمانی الحدوث و روحانی البقاست، و این که نفس دارای مراتب و نفس همه‌ی قواست، و اصل محفوظ در قواست، پس صفت بعضی از مراتب اگرچه از پایین‌ترین‌ها باشد به بعضی دیگر سرایت می‌کند اگرچه آن بعض دیگر از بالاترین بالاها باشد، آیا نمی‌بینی که قضا یا و اعتقادات مورد محبت یا مورد بغض که بر نفس وارد می‌شود چگونه در بدن اثر می‌گذارند و آن را رشد می‌دهند و تقویت می‌کنند یا او را سست می‌سازند و لاغر می‌کنند. و خوشحالی گویایی قوای بدنی را زیاد می‌کند، و غم‌گفتاری قوای بدنی را نقصان می‌دهد و تباهش می‌سازد. و آیا نمی‌بینی که بدی مزاج یا جدایی اعضاء که بر بدن عارض می‌شود چگونه در نفس اثر می‌گذارد. پس انسان خردمند دانا باید زیرکی به کار آورد که برای نفس یک نحوه وحدت جمعیه‌ی حقیقیه است که ظلّ و سایه‌ی وحدت حقّه‌ی محیط به همه‌ی وحدات و کثرات است. در دفتر دوم از «مثنوی معنوی» مولوی آمده است:

آدمی را فربهی هست از خیال گر خیالاتش بود صاحب جمال.
ور خیالاتش نماید ناخوشی می‌گدازد همچو موم از آتشی

مثبت‌اندیشی و تفکر مثبت، ایده و روشی است که در غرب نزدیک به یک قرن قدمت دارد و همواره از موضوعات جذاب روان‌شناسی بوده است. مثبت‌اندیشی امروزه در دنیای روان‌شناسی با عناوین مختلفی و حتی برای بحث‌های روان‌درمانی استفاده می‌گردد. علاوه‌براین دو رشته روان‌شناسی مثبت‌گرا و حتی آموزش و پرورش مثبت‌گرا نیز به‌وجود آمده‌اند که البته دارای تفاوت‌هایی با مثبت‌اندیشی هستند.

روش ممارست بر انجام فرایض و ترک محرمات

- اصل: تجلیه
- مبنا: تأثیر فقاہت^۱ بر تسلیم نفس در برابر خداوند.
- روش: ممارست بر انجام فرایض و ترک محرمات.
علامه در این روش بر تأثیر عمل به دستورات فقهی و شرعی تأکید دارد و آشنایی با فقه و عمل به آن را مقدمه حرکت در سلوک عرفانی می‌داند.

روش مخالفت با بدگمانی

- اصل: تخلیه
- مبنا: تأثیر خیالات بر انتخاب‌ها
روش مخالفت با بدگمانی: یکی از مهم‌ترین ابتلائات دوره سنی متوسطه مربوط به حوزه تخیلات باطل می‌باشد که مهم‌ترین نوع این خیالات باطل، سوءظن‌های بی‌جاست. از نظر علامه مدیریت قوه خیال سه حوزه مجزا دارد: طهارت خیال از اعتقادات فاسد و از تخیلات ردی و از جولانش در میدان آمال و امانی است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸: ۵۴).

روش شکرگذاری

- اصل: ادب مع‌الله
- مبنا: یکی از مقتضیات رعایت ادب مع‌الله، شکرگذاری عبد است.

۱ بدان که فقه مقدمه تهذیب اخلاق و اخلاق مقدمه‌ی توحید است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸: ۵۴).

روش شکرگذاری: ادب مع‌الله ایجاب می‌کند که بدون اذن و امر به تصرف در برنامه‌ای از برنامه‌های چرخ نظام تکوینی، و حکمی از احکام کتاب تشریحی، دست تصرف به چیزی دراز نکند. و اگر چیزی به تو دادند ادب اقتضا می‌کند که در ازای آن عبد شکور باشی نه اینکه بی‌اجازه مولی آن را به هر نحو بخواهی صرف کنی. و چه بسیار از اولیاء‌الله که به آنان دست تصرف عطاء شده‌است و لکن ادب و معرفت‌شان مانع از اعمال تصرف شده‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۵: ۷۹).

روش الگوگرایی

اصل: ولایت‌مداری

مبنا: تأثیر الگو در حرکت و عمل انسان

روش الگوگرایی: "انسان کامل" برجسته‌ترین نظریه عرفان اسلامی در حوزه انسان‌شناسی است؛ ایشان معتقدند که انسان کامل - یا همان امام جامعه - ولی‌الله است (یعنی انسانی که از طرف خداوند سرپرست انسان‌های دیگر است). الگوی تربیت عرفانی کسی است که هم مبدأ و هم مقصد را به بهترین شکل بشناسد. خود دارای جامعیت باشد و راه رسیدن به مقصد را نیز بشناسد، او پس از طی قوس صعودی در سفر به سوی حق و رسیدن به حق و بقای بالله، در سیر نزولی و سفر از حق به سوی خلق، به دنبال هدایت سایر انسان‌ها به سوی این تنها مسیر سعادت است. تبعیت از چنین انسان کاملی باید با استفاده از سیره‌شناسی و همچنین اجتهاد از اعمال ظاهری و باطنی او و تبعیت عملی از او اتفاق بی‌افتد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آثار علامه در خصوص مباحث مربوط به انسان‌شناسی بسیار غنی و کم‌نظیر می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مبانی نوع یک به‌عنوان عام‌ترین مبانی تربیت عرفانی علامه حسن‌زاده آملی تعیین‌کننده اهداف تربیت‌اند و عبارت‌اند از: ۱. انسان جامع تمام حقایق است. ۲. انسان ولی‌الله است. ۳. انسان کمال عالم کیانی و غرض آن است. مبانی نوع دوم به‌عنوان مبانی‌ای فلسفی و عام در تعیین اصول تربیتی نقش دارند و عبارت‌اند از: ۴. انسان یک هویت ممتد از فرش تا فوق عرش

است. ۵. انسان دارای فقر ذاتی و فقر استکمالی است. ۶. حرکت انسان به سوی خداوند است. مبانی نوع سوم مبانی واقع‌نگرتر و تجربی در تعیین روش‌های تربیتی نقش دارند و عبارت‌اند از: ۷. شناخت نفس در گرو معرفت نظری و معرفت شهودی است. ۸. علم با تأثیر بر نفس خاصیت انسان‌سازی پیدا می‌کند. ۹. اسباب مسخر پروردگارند. ۱۰. تأثیر ذکر بر کمال تدریجی نفس. ۱۱. تأثیر استدلال بر اثبات وحدانیت و تقدیر و تدبیر خداوند. ۱۲. تأثیر الگو در جهت‌گیری انسان. ۱۳. شناخت نفس در گرو معرفت نظری و معرفت شهودی است. ۱۴. اعتدال در گرو حاکم شدن صفات انسانی و حاکم نشدن طبیعت بر انسان است. ۱۵. امیال، عواطف و گرایش‌ها تحت اراده نفس است. ۱۶. تقویت نفس در گرو برنامه مراقبت روزانه است. ۱۷. نقش محبت و عشق در گرایش به سوی خداوند. ۱۸. نقش ارتزاق و طعام در تربیت نفس. ۱۹. بدن تحت اراده نفس است. ۲۰. تأثیر فقاقت^۱ بر تسلیم نفس در برابر خداوند. ۲۱. تأثیر خیالات بر انتخاب‌ها. ۲۲. یکی از مقتضیات رعایت ادب مع‌الله، شکرگذاری عبد است. ۲۳. تأثیر الگو در جهت‌گیری انسان.

در روش‌های تربیتی مطرح شده هدف اصلی چگونگی ارتباط با حق تعالی است و جهت‌گیری همه روش‌ها به سمت خداوند متعال است. علت اصلی این امر اعتقاد به وحدت وجود در نگاه عرفا و علامه حسن زاده است. چرا که ایشان معتقدند اگر ارتباط مناسب با خداوند برقرار شود، همه رابطه‌های انسان با خودش و با دیگران و با هستی و طبیعت اصلاح می‌گردد. روش‌های تربیتی کشف‌شده در این پژوهش برای دانش‌آموزان جوان عبارت‌اند از: ۱. روش‌های تربیت عرفانی در بعد شناختی: -روش تزکیه علمی عملی-روش تحصیل علم نافع-روش دعا و مناجات-روش تفکر و ذکر دائم-روش احتجاج و استدلال-روش الگوگرایی. ۲. روش‌های تربیت عرفانی در بعد گرایشی: -روش ادراک ذوقی-روش تسخیر طبیعت خویش-روش مخالفت با هوای نفس-روش مشارطه، مراقبه، محاسبه-روش محبت ورزیدن و معاشقه با خداوند. ۳. روش‌های تربیت عرفانی در بعد عملی: -روش کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های انسان-روش تلقین افکار و نیات خوب (مثبت‌اندیشی)-روش ممارست بر انجام فرایض و ترک محرمت-روش مخالفت با بدگمانی-روش شکرگذاری-روش الگوگرایی.

۱ بدان که فقه مقدمه تهذیب اخلاق و اخلاق مقدمه‌ی توحید است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸: ۵۴).

در پایان پیشنهاد می‌گردد، مدیران، سیاستگذاران، تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان نظام آموزشی با نگاهی عمیق‌تر به تربیت معنوی و باطنی و استفاده از ظرفیت‌های گسترده تربیت عرفانی، با بازنگری در اهداف، اصول و روش‌های تربیتی، در جهت تدوین نظام آموزشی همه‌جانبه‌نگرتر اقدام نمایند. معلمان نیز می‌توانند با بهره‌گیری از آثار فراوان و متنوع علامه حسن‌زاده در حوزه انسان‌شناسی و استفاده از دستورالعمل‌های معنویت‌گرا و انسان‌ساز ایشان، جان و روح خویش را با معارف عمیق ایشان آبیاری نمایند و همچنین دل‌های صاف و نیالوده و مشتاق حقیقت‌دانش-آموزان را با آموزه‌های عرفانی و معنویت اصیل ایشان آشنا نمایند.

فهرست منابع

قران کریم

ابن سینا، حسین بن عبدالله، *الاشارات والتنبیها*، همراه با شرح خواجه نصیرالدین طوسی، قم: نشرالبلاغه اشعری، زهرا، باقری، خسرو، حسینی، افضل السادات (۱۳۹۱)، بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی، *دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی*، سال ۷ شماره ۱۵، ازصفحه ۸۹ تا صفحه ۱۱۲

امینی‌نژاد، علی (۱۳۹۳)، *آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی*. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

امینی‌نژاد، علی، بابایی، مهدی و کرمانی، علی‌رضا (۱۳۹۰)، *مبانی و فلسفه عرفان نظری*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

امین‌الرعا، مرات، جوان‌آراسته، امیر، افراسیاب‌پور، علی اکبر و خسروی، حسین (۱۳۹۸)، *تربیت عرفانی از منظر علامه طباطبایی (ره)*، *فصلنامه عرفان اسلامی*، سال پانزدهم، شمار ۵۹، ازصفحه ۸۵ تا صفحه ۱۰۱

باقری، خسرو (۱۳۸۷)، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی

بهشتی، سعید، ناظر حسین‌آبادی، مسلم (۱۳۹۱)، *تبیین دیدگاه تربیت عرفانی بر مبنای حکمت سینوی*، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۱۴، ازصفحه ۹۵ تا صفحه ۱۱۴

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۱)، *عرفان اسلامی*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۰)، *ادله‌ای بر حرکت جوهری*، قم: الف.لام.میم.

حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۵)، *الصحیفه الزبرجدیه فی کلمات سجادیه*، قم: الف.لام.میم

- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۹۲)، انسان در عرف عرفان، قم: انتشارات روح و ریحان
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۳)، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۳)، انسان و قرآن، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۶۴)، الهی نامه، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۵)، حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۵)، دروس معرفت نفس، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۹۲)، دستورالعمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۹۱)، دیوان اشعار، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۳)، رساله أنه الحق، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۸)، سدره المنتهی فی تفسیر قرآن المصطفی، ج ۲، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۶)، صد کلمه در معرفت نفس، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۲)، صد و ده اشاره، گردآورنده: بنکدار، حسنعلی، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۸)، طب و طبیب و تشریح، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۶)، کلمه علیا در توقیفیت اسماء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۸)، ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۹)، نامه‌ها برنامه‌ها، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۹۰)، نهج الولاية، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۵)، نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم: الف.لام.میم.
- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۱)، هزار و یک کلمه، قم: بوستان کتاب
- * حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۲)، هزار و یک نکته، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء
- * حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۳)، وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، قم: الف.لام.میم.
- رسول زاده، عباس، (۱۳۹۰)، عرفان و رهبانیت در مسیحیت، معرفت ادیان، سال دوم، شماره سوم، از صفحه ۱۰۹ تا صفحه ۱۰۹
- رفیعی محمدی، علی محمد، (۱۳۹۲)، بیست اصل در تربیت، قم: انتشارات رسول اعظم
- زینالی خامنه، کاوه، (۱۳۹۰)، اصول و روش‌های تربیت عرفانی در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، به راهنمایی: سعید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.

شعبانی باب اناری (۱۳۸۹)، اهداف و روش های تربیت زیبایی شناسانه ی دینی مبتنی بر عرفان اسلامی، به راهنمایی: مرتضی خسرو نژاد، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش شمشیری، بابک (۱۳۸۷)، جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی، دانشور رفتار. سال ۱۵، شماره ۳۰، از صفحه ۵۳ تا صفحه ۷۰

شمشیری، بابک، نقیب زاده، عبدالحسین (۱۳۸۴)، فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی، دانشور رفتار، سال ۱۲ از صفحه ۷۴ تا صفحه ۸۹

فصیحی رامندی (۱۳۹۱)، بررسی مقایسه ای اصول تربیت اخلاقی و تربیت عرفانی، معرفت عرفانی، سال سوم، شماره چهارم، از صفحه ۳۹ تا صفحه ۵۴

فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۷)، جوان از نظر عقل و احساسات، جلد ۲، تهران: نشر فرهنگ اسلامی قیصوری، سمیه (۱۳۹۵)، نقش تربیتی نفس از دیدگاه علامه حسن زاده آملی، به راهنمایی: دکتر اعلای تورانی، دانشگاه الزهراء، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات.

میر، محمد (۱۳۹۲)، عرفان اسلامی و دلالت های آن برای تربیت شهروندی، به راهنمایی: بابک شمشیری، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش .

میلر، جان. پی (۱۳۷۹) نظریه های برنامه ی درسی، ترجمه ی محمود مهر محمدی، تهران: انتشارات سمت. نوروزی، رضاعلی، نصرافهانی، محمدرضا، داوری، فاطمه، (۱۳۹۳)، اهداف تربیت عرفانی در نگاه مولانا با تأکید بر انسان شناسی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲۳، از صفحه ۵۷ تا صفحه ۷۸

-Parsons. William B. (2012) **Teaching Mysticism**. Retrieved from: <https://oxford.universitypressscholarship.com>

-Kandi. Suneetha.(2013) Characteristics of Mystical Experiences and Impact of Meditation. **International Journal of Social Sciences** - January 2013 - GITAM University. Retrieved from: <https://www.researchgate.net>

-Cook. David.(2012) **Teaching Islamic Mysticism**. Retrieved from: <https://www.oxforduniversitypressscholarship.com>

-Wexler. Philip.(2012) **Social Theory and Pedagogical Prospects**. Retrieved from: <https://oxford.universitypressscholarship.com>

